

کلام ناروا و زبان زخم

در نقد گفتار رئیس شورای شهر درباره پاکبانان



مسعود شاه‌حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ

در روزگار ما که دور زمانه بر مدار سخن می چرخد، هر سخنی را باید به میزان و مقیاس خرد سنجید. سعدی علیه‌الرحمه چه نیکو فرمود: «تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نیفته باشد». چندروز پیش سخنی از زبان رئیس محترم شورای شهر تهران روان شد که دل هر شنونده‌ای را ریش کرده و هر طرف که سر برمی گردانی با سرگشتگی و برآشفتنگی در عیباش می گویند. آقای چمران در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره شغل پاکبانی، گفته: «وقتی کارگران ایرانی کم‌کم بیکار شوند، استقبال می کنند». این سخن نه از سر مهر و نرمی، که از روی قهر و بیداد است و چون تیر بر قلب زخم می‌زند و جراحات می‌آورد. ایشان نه‌فقط حرمت پاکبانان را نگاه نداشته، که به سرچشمه امید و عزت‌نفس هزاران انسانی که حرفه و منصبشان این شغل است و از این رهگذر رزقی و توشه‌ای سر سفره‌هایشان می‌برند، سنگ کین پرانده است. گویی آقای چمران در انتظار روزی است که ناداری و پریشانی تنگدستی چنان بر جان مردمان چنگ افکند و بیکاری آن‌سان به گردآب نومیدی فرو بردشان که مضطر و آسیب‌ه به‌شغلی پناه برند که رغبتی بدان ندارند. باری، این شغل نه از روی ناچاری، که از باب شرافت و درک ثمن نفیس فهم می‌شود. چه آنکه در نظر فوج‌فوج همان بیکارانی که شب را در اندیشه معاش و درآمد به صبح می‌رسانند، پوشیدن لباس پاکبانی عین عزت و افتخار است و از آن عار و ننگی نمی‌آید، همو که زشتی‌ها را از کوی و کوچه و خیابان می‌زداید، سزوارش نیست که گرد بی‌حرمتی بر جامه‌اش بنشینند و غبار آزردگی بر دلش. نمی‌دانم معرفت زبانی رئیس شورای شهر پایتخت که بار اولش هم نیست، بوی چه چیزی می‌دهد؟. آقای رئیس بر سریر قدرت نشسته و هیچ هم‌باک ندارد که احوال مردم و تقاضایشان برای قوت و قوّت را به چشم غفلت به هیچ انگارد و آسوده و ایمن‌خاطر مثل کسی که نهان آگاه و غیب‌دان است، سرنوشت‌شان را حتمیت بخشد و بگوید آخر کار گذرشان به خردمان می‌افتد. او که باید غمخوار بیکاران و وامدار پاکبانان باشد، بایبانی غرا، بی‌واحه آرزوی بیکاری‌شان را کرده و آرزومندی شغل پاکبانی را عین فضیلت و حسنات پنداشته و بر جایگاه معرفت‌دانی، که هماره در اعظم سیاست یافت می‌شود، در افشاندنه است. اگر بر مدار خرد هم درآییم و به نقادی کلام‌رئیس شورا در ترازوی منطقی بپردازیم، از جمیع جهات ناسنجیده‌گویی، نقصان و خرده در آن عیان می‌شود. این سخن که «چون بیکاری بیشتر شود، استقبال کنند»، سبب را از مسبب درهم‌آمیخته است. چه‌بسا کارگران به‌سبب اندک‌دستمزدی و دشواری کار و نبود حمایت، از این شغل روی برگردانده‌اند. جناب چمران اما ساده‌انگارانه و بی‌دلیل و به‌راهن با حالتی فاتحانه گمان برده که بیکاری و عاطلی، کلید گشایش قفل مشکل است و از سبب‌های دیگر چشم پوشانده است. این پندار، چون کسی است که زخم‌را تنها با مرهم‌بی‌حاصل مداوا کند و از ریشه درد غافل ماند. خطای دوم را رئیس شورا آنجا مرتکب شده که عجلانه حکم داده و شتابزده تعمیم. این بیان، مصداق گرفتن نتیجه‌ای کلی از فرضی جزئی است. رئیس شورا انگاشته که همه کارگران در وقت بیکاری، یکسان رفتار می‌کنند و یک‌جور انتخاب. در حالی که هر یک هنر و مهارتی و تربیه‌ای و شأنی و حرمتی دارند و چنین توقع کردن، تفاوت‌ها و انسانی‌های فردی و خواسته‌هایشان را نادیده می‌گیرد. ایشان مسئله را بر سر یک دوراهی برده و مسیر و جهت را هم مشخص کرده و گفته‌اگر بدین‌راه بروند، مشکل حل می‌شود؛ یعنی دریافت و درایت ایشان به هیچ‌راه سوسمی نمی‌رسد؟ آخر چگونه می‌توان شغل پاکبانی را با آنکه می‌دانیم فقط دسترنج دارد و نه مزدی درخور و مکفی، به جوانان پیشنهاد داد و در همان سان گمان برد که تنها به‌سبب بی‌پره‌بودن از شغل، حرفه، کسب و صنعتی ضرور، آن را پذیرا خواهند شد؟ مصیبت‌بزرگ‌تر جایی است که آقای رئیس به‌جای گشایش کار و اصلاح امور به جبر و ناچاری مردمان رضایت داده و بی‌خبر از اوضاع روزگار‌نشان و دشواری زیست‌شان، کلامی پا در هوا بیان کرده است. از منظر انصاف و اخلاق هم، رئیس شورا گرفتار مغفله است. در انکاره او فقر و پریشانی بی‌شغلی، ابزار اجبار توده به پذیرش کارهای دشوار است. چنین فرض وهم‌آمیزی سوای وهن کردن کرامت کارگر، ارزش راستین پیشه پاکبانی را نادیده می‌گیرد و نابرابری و ستم‌رواداری می‌کند. سخن جناب چمران، از هر حیث که بنگریم، بر استواری منطق سست است و در استحکام نگاه بی‌دوام، چه آنکه هر‌که با خوارداشت یک پیشه‌بلندقدر و عقیف، بذری اعتمادی و ناامیدی را در دل اجتماعی بکار، سزاور ملامت است و سرکوفت. ای کاش کسی پیدا شود به‌گوش‌شان برساند، نگاهداشت احترام و پاسداشت شغل پاکبانی، اقتضای تکلیف و فریضه واجب مسئولیت نیست و از برای آن بازخواست نمی‌شوند. برعکس درشتی نکردن و زبان به ناپاکی نگشودن در برابر شغلی بدین‌حد از حرمت، شرط و سامه انسانی است.

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۵۰



وقت جدایی‌ها

با مرگ هوشمند عقیلی موسیقی ایران یکی از خوش صداترین خوانندگان خود را از دست داد



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

هوشمند عقیلی، خواننده قدیمی و شهیر ایرانی، ۱۴ شهریورماه ۱۴۰۴ در سن ۸۸ سالگی و از پس دوره‌ای بیماری در لس آنجلس درگذشت. با مرگ او موسیقی ایرانی، یکی دیگر از خوش‌صداترین و توانمندترین آوازخوانان خود را که تسلطی چشمگیر بر اجرای موسیقی سنتی دستگاهی و پاپ-هر دو را داشت-از دست داد. چنین توانایی و تلفیقی البته در ایران، سنتی دیرینه بود و لاقال از دوران دریوش رفیعی رگه‌هایی از آن نمودار شد. بعدتر نیز کسانی مانند پوران و دلکش و در نسل بعد خوانندگانی همچون عقیلی، هایده، ستار، مهستی و حمیرا این سبک را تداوم بخشیدند. بعد از انقلاب، علیرضا افتخاری و معین در این زمینه درخشیدند هرچند بیشتر آثار این هنرمندان به حوزه پاپ‌زدیک‌شد. اینک نیز آثار همایون شجریان و علیرضا قربانی را می‌توان در چنین ترکیبی به تماشانشست.

▼ شاگردی تاج اصفهانی، مهرتاش و محمود کریمی

عقیلی، سوم مردادماه ۱۳۱۶ در اصفهان دیده به جهان گشود. اصلیت پدر و مادرش البته به آباده شیراز می‌رسید. از کودکی صدای خوش او توجه‌ها را به خود جلب کرد و عقیلی درنهایت امر اجازه یافت به‌شراط آنکه آواز خوانی مانع از تحصیل نشود. صبح‌های جمعه به‌محضر خواننده بزرگ موسیقی سنتی ایران، تاج اصفهانی برسد و دستگاه‌های همایون و سه‌گاه را نزد او فرا گیرد. در همین دوران البته مشغول تحصیل در دبیرستان ادب بود و در همین مدرسه برای نخستین‌بار خوانندگی در میان عموم را آموذ. به‌دانشگاه نیز راه یافت و در همان شهر زادگاه، به تحصیل رشته ادبیات زبان انگلیسی پرداخت تا به قویلی که به پدر داده بود، وفا کرده باشد. پس از اصفهان، اما رحل اقامت در تهران افکند و این‌بار در «جامعه باربد» همراه با شاگردانی دیگر چون محمدرضا شجریان و محمد منتشری، درس استاد اسماعیل مهرتاش را تجربه کرد. استاد بعدی او نیز، محمود کریمی بود که در «هنرستان موسیقی ملی» به او آموزش آواز داد. کریمی به شاگردانش می‌آموخت، به‌نجوی بخوانند که مفهوم اشعار به‌طور کامل در بیان وضوح یابد، هر کلمه به‌درستی و معنادار ادا شود و هیچ هجایی در آواز گم نشود. همین یک نکته از جمله مشخصه‌های آوازخوانی پرصلابت و دقیق هوشمند عقیلی بود. او دهه‌ها بعد از این آموزش‌ها در مصاحبه‌ای دوباره بر اهمیت تلفظ کلمات در هنگام خوانندگی، تأکید کرد و خوردن هجای پایانی مصراع‌ها را توجیه‌ناپذیر دانست و برای نمونه، شنوندگان را به خوانندگان غربی چون فرانک سیناترا از جاع داد که این قاعده را به‌خوبی رعایت می‌کنند.

▼ شهرت با «فردا تو می‌آیی»

قدرت آوازخوانی تکنیکی عقیلی، راه موفقیت او را هموار کرد و شهرتش به جایی رسید که در مراسم گشایش تلوزیون ایران در کنار شخصیت‌های معتبری چون حسین قوامی و مرتضی خاتنه قرار گرفت. در سال‌های پیش از انقلاب، او با ترانه‌هایی چون «فردا تو می‌آیی» و «دریا» (شنن داغ) به محبوبیتی فوق‌العاده نزد جوانان علاقه‌مند به موسیقی پاپ نیز رسید و هنوز که هنوز است، این ترانه‌ها شنیده می‌شوند و مورد استقبال قرار می‌گیرند. در آن سال‌ها او البته به کار دولتی در وزارت تعاون و امور روستایی نیز مشغول بود و از طریق همین شغل برای تحصیل در دوره کارشناسی ارشد در زمینه فعالیت تعاونی‌ها نیز به انگلستان اعزام شد.

▼ مدافع موسیقی شش و هشت

عقیلی با موسیقی سنتی آغاز کرد اما بعدتر بیشتر در زمینه موسیقی پاپ فعالیت کرد و با وجود ذهنیت منفی که نزد سنتی‌گرایان موسیقی ایرانی برای حضور آوازخوان در کاباره وجود داشت، از این امر نیز پرهیز نداشت و ارضایی یکی از خوانندگان گرانقیمت ایران بود. ازاین‌نظر او را می‌توان با جمال و فایلی مقایسه کرد که او نیز از شاگردان استاد مهرتاش و از دوستان نزدیک محمدرضا شجریان بود اما بعدتر راهی متفاوت را با شجریان در موسیقی پیمود و البته در آخرین مصاحبه‌ای هم که از او منتشر شده، انتخاب خود را خطا ندانسته است. عقیلی

نیز با وجود خاستگاه سنتی خود، چنین کرد و بعدتر نیز در مصاحبه‌ای به این نکته اذعان کرد که به اینس مرزبندی‌ها چندان اعتقادی ندارد. از نظر عقیلی، ذهنیت رایج در فضای موسیقی سنتی ایرانی که روی خوشی به موسیقی شاد نشان نمی‌داد، چندان قابل اعتنائست و از قضا، موسیقی «شش و هشت» را نیز باید یکی از اجزای فراموش‌شده این موسیقی دانست.

▼ متقدمه موسیقی لس آنجلسی

بااین‌همه او انتقادهایی نیز به موسیقی پاپ رایج در لس آنجلس در دهه ۱۳۸۰ داشت و حتی در گفت‌وگویی با اختر قاسمی در همان سال‌ها، در زمینه جوموسیقیایی این شهر گفت: «فقط یک کلام؛ با کمال خجالت متأسفم». تأثرانگیزتر از همه ویدئوکلیپ‌هایی است که می‌سازند. مثلاً در شعر از درد، هجو و غربت صحبت می‌شود و در کلیپ دخترها و پسرهای خوشگل در حال رقصیدن یا با ماشین و هواپیما در حال سفر و شاد و خوش هستند. اینها اصلاً هم‌خوانی ندارند». آنچه البته عقیلی و بسیاری از خوانندگان نسل او بدان انتقاد داشتند، فراتر از اینها غلبه تصویر بر صدا به‌واسطه رونق ساختن ویدئوکلیپ‌ها به اقتضای مناسبات بازار بود.

▼ کلامی در میانه ابتذال و بیچیدگی

عقیلی در دوران فعالیت خود قریب به ۱۴۰ ترانه خواند و در ۱۶ آلبوم موسیقی فردی و مشترک حضور داشت. او در استفاده از کلام نیز به نظر خاص خود رسیده بود. بر آن بود که کلام ترانه باید ساده و نزدیک به زبان محاوره باشد اما در عین حال، هم از ابتذال به‌دور باشد، هم از نوزگاری‌هایی که فهم کلام را دشوار می‌کند. شاید یکی از ترانه‌سرایی‌ها که در سرون آنچه مدنظر عقیلی بود، تجرعی خاص دارد، جهان‌بخش پازوکی باشد: همشهری عقیلی که از جوانی نیز با یکدیگر سابقه رفافت داشتند و کلام و ملودی بسیاری از موفق‌ترین آوازهای عقیلی از ذهن او سرچشمه گرفته است. عقیلی البته با ترانه‌سرایان دیگری چون توج نگهبان، بیژن سمندر، معینی کرمانشاهی، لایلا کسری، هما میرافشار و ایرج رزمجو نیز همکاری کرد و به استفاده از اشعار شاعرانی چون حافظ، منوچهری دامغانی، وحشی بافقی، باباطاهر، فرخی یزدی، سیمین بهبهانی، مهدی اخوان ثالث و پژمان بختیاری نیز علاقه‌نشان داد.

▼ بازخوانی خوان حرفه‌ای

عقیلی به بازخوانی آثار محبوب خود نیز علاقه‌ای وافر داشت و در این زمینه چندان در قید اینکه آثار تکراری بخواند، نبود. تشخیص صدای عقیلی نیز در دادن رنگی خاص به این ترانه‌های بازخوانی‌شده، موثر بود. در این بازخوانی‌ها هم، تعصبی روی ایرانی بودن ترانه‌ها نداشت و به همین دلیل در کارنامه او، هم «تو ای پری کجایی» و «شد خزان» دیده می‌شود، هم بازخوانی ترانه‌هایی چون Around the World و When I Fall in Love. در این بازخوانی‌های خارجی البته به‌خصوص آهنگ Sway که عقیلی خواند، شهرتی بیش‌ازهمه به‌هم‌زد؛ شاید جدا از کیفیت ممتاز این اثر و به‌طرزی که عقیلی خود نسبت بدان انتقاد داشت، به‌واسطه نماهنگ زیبایی که برای آن ساخته شده بود.

▼ وطن‌پرستی دور از سیاست و حاشیه

هوشمند عقیلی، هنرمندی بود به‌دور از حاشیه‌های رایج در عرصه هنر که گاه از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر شهرت قلمداد می‌شود. او چنین نمی‌اندیشید و مدیریت این حاشیه‌ها را ضروری می‌دانست. به‌سلامت‌بدنی خود هم حساسیت داشت و از ورزش غافل نمی‌ماند. به خوانندگان نیز توصیه اکید می‌کرد که برای حفظ تارهای صوتی خود، دود و سیگار را از زندگی خود حذف کنند. در عین حال با وجود ترانه‌هایی که درباره وطن و ایران خواند، در تمام سال‌های غربت‌نشینی از وسوسه پیوستن به گروه‌های سیاسی دور ماند. او وطن‌پرستی راسخ بود که به‌صراحت در گفت‌وگویی پس از حمله آمریکا به افغانستان و عراق، امکان رهایی ایران از طریق حمله نظامی آمریکا را نادرست دانست: «ملت ایران باید خودش برای سرنوشت خودش تصمیم بگیرد، نه به کمک یک نیروی خارجی». در کنار این البته از نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی نیز به‌دور بود و بر آن بود که راه آزادی و دموکراسی در ایران، از مسیر احترام انسان‌ها به عقاید و مدار آجونی می‌گذرد.

افشاگر قرار دادهای نجومی

فوتبال ما هرچه نداشته باشد، بازیکنانش خوب پول می‌گیرند. به بهانه‌ها، قالب‌ها و نام‌های مختلف. بیش از هر ورزش دیگری. عادل فردوسی‌پور، مجری محبوب سال‌های نه‌چندان دور تلوزیون و برنامه‌نود که یکی، دو سال است برنامه اینترنتی فوتبال ۳۶۰ را اجرا می‌کند، در آخرین برنامه‌اش دست به افشاجری‌ای زده که ارقام نجومی قرارداد بازیکنان فوتبال لیگ برتر را علنی کرده است. ارقامی که فردوسی‌پور با جزئیات بیان کرده، حیرت‌انگیزند. او گفته، یکی از بازیکنان چهار تیم بزرگ کشور که ملی‌پوش هم نیست، قراردادی ۲۳۸ میلیارد تومانی برای دو سال دارد. به ادعای فردوسی‌پور، بازیکنان و باشگاه‌ها به طرق مختلف مثل دادن آپارتمان یا پرداخت بار مزارزها، محدودیت‌های سقف قرارداد سازمان لیگ را دور می‌زنند. فردوسی‌پور گفته، یکی از بازیکنان به‌طور رسمی قرارداد ۲۰ میلیارد تومانی، سال گذشته بسته و مابقی را در شهر استانبول ترکیه، آپارتمان دریافت کرده است. یا اینکه به رقم یک‌میلیون دلاری یکی از دروازه‌بانان باشگاه‌های ایرانی اشاره کرده است. فردوسی‌پور که به‌واسطه برنامه محبوبش و بیش از آن، شخصیت مردمی‌اش، چهره‌ای آشنا در ورزش کشور به‌خصوص فوتبال است به زیر و بم آن هم آشناست و خبرهایی که می‌دهد، بی‌برو برگرد درست از آب درمی‌آیند. باید منتظر جنجال‌های بیشتری در این خصوص در روزهای آینده باشیم.



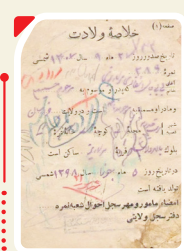
ریشه‌شناسی نظریه‌های ادبی

گروه انتشاراتی ققنوس اخیراً کتابی با نام «هگل و بنیادهای نظریه ادبی» را منتشر کرده است. نویسنده این کتاب «م. ا. ر. حبیب»، استاد سابق دانشگاه رانگز و صاحب‌نظر در حوزه فلسفه و ادبیات، شعر و نظریه‌های ادبی است. کتاب هگل و بنیادهای نظریه ادبی را سال ۲۰۱۹ انتشارات کمریج منتشر کرده است. این اثر درباره ریشه‌های مشترک نظریه‌های ادبی مختلف مانند مارکسیسم، ساخت‌گرایی، تاریخ‌نگاری نو، فمینیسم و پساستعمارگرایی است و نشان می‌دهد که همه آن‌ها از یک سرچشمه تغذیه می‌شوند؛ اندیشه هگل. نویسنده با زبانی شیوا و جذاب، مفاهیم پیچیده هگل را رمزگشایی می‌کند و نشان می‌دهد، چگونه ایده‌های او مسیر تاریخ فکری قرن گذشته را شکل داده و جهان مدرن را ساخته‌اند. این اثر، پاسخی به پرسش‌های بنیادی درباره اصول و جهت‌گیری ایدئولوژیک نظریه ادبی است و کاربرد آن را در درک معضلات فکری و اخلاقی امروز به‌جسته می‌کند. کتاب، هم یک مقدمه خواندنی بر تفکرات عمیق هگل است، هم راهنمایی جامع برای ورود به شاخه‌های گوناگون نظریه ادبی. کتاب «هگل و بنیادهای نظریه ادبی» با ترجمه ادريس رنجی و برچسب قیمتی ۶۵۰ هزار تومان به‌بازار عرضه شده است.



نام کتاب: هگل و بنیادهای نظریه ادبی
نویسنده:
م. ا. ر. حبیب
ترجمه: ادريس رنجی
نشر: ققنوس

تصویب قانون تابعیت ایران



شانزدهم شهریورماه ۱۳۰۸، نخستین قانون تابعیت ایران در ۱۵ ماده، به تصویب مجلس شورای ملی رسید و مبتای تابعیت خون و خاک تعیین شد. براساس ماده اول این قانون، همه ساکنان ایران، جز کسانی که تابعیت خارجی آنان محرز باشد، ایرانی محسوب می‌شوند. همچنین فرزندان پدر ایرانی، افراد متولد در ایران با والدین نامعلوم، یا کسانی که از والدین خارجی اما با پیوند تولدی در ایران به دنیا آمده‌اند، تبعه ایران شناخته می‌شوند. زنان خارجی با ازدواج با مرد ایرانی و نیز اتباعی که تابعیت ایران را تحصیل کنند، مشمول این قانون‌اند. این قانون همچنین شرایط گرفتن تابعیت (سن، اقامت، عدم‌سوءپیشینه و عدم‌فرار از خدمت نظامی) و موارد استثنایی خدمت به منافع عمومی را مشخص و محدودیت‌هایی مانند محرومیت از وزارت، مأموریت سیاسی و عضویت در مجالس برای تازه‌تابعیت‌ها وضع کرد. براساس قانون مصوب، ترک تابعیت تنها با اجازه هیئت‌وزرا و انتقال اموال غیرمنقول ممکن است. در این قانون که از ۲۰ شهریورماه ۱۳۰۸ اجرائی شد، امکان رجوع به تابعیت اصلی برای برخی افراد و شرایط بازگشت به تابعیت ایران پیش‌بینی شد.